

"عمق ستراتیژیک" یا "محور مقاومت" بمثابة ابعاد تبلیغات راهبردی بازار سیاه مملو از وعده های دروغین و هزینه های سنگین نحوه آشکار سازی شخصیت های انسانی

چگونگی راهبردهای مقابله با جنبه های فراملیتی تروریسم
نبود نظارت، بمثابة تبدیل وضعیت به باتلاق ستراتیژیک
دست کم گرفتن دموکراسی و عواقب آن در جامعه
طنز تلخ تاریخ

عمق ستراتیژیک یا عمق راهبردی، واژه ای در ادبیات نظامی است که به فاصله بین خط مقدم یا بخش های نبرد و مواضع اصلی یک کشور که شامل پایتخت، بخش های صنعتی، مراکز اصلی جمعیتی و تولید نظامی است، گفته می شود. اصل مهمی که باید در مورد عمق ستراتیژیک در نظر گرفت، میزان آسیب پذیری هریک از این مواضع در صورت حمله احتمالی دشمن خواهد بود. در شرایط اینچنینی، یک کشور بوسیله عقب نشینی بدون مرزهای خود، توانایی آنرا دارد تا ابتدا حمله موجود را دفع کند و سپس مانع از بثمر رسیدن حمله های بعدی دشمن شود، و اما در مورد محور مقاومت بایست یاددهانی بعمل آید که محور مقاومت، اصطلاحی است که از جانب حامیان به منظور اشاره به شبکه ای از شبه نظامیان و گروه های سیاسی اسلام گرا مورد استفاده قرار می گیرد. محور مقاومت عمدتاً به هدف هماهنگی و اتحاد در یک درگیری بزرگ با طرف مقابل و بمنظور دستیابی به هدف مشترک تشکیل می گردد. اصطلاح "محور مقاومت" برای نخستین بار توسط روزنامه لیبیبی "الزحف الاخضر" در پاسخ به ادعای جورج دبلیو بوش رئیس جمهور ایالات متحده مبنی بر اینکه ایران، عراق و کوریای شمالی، یک محور شرارت را تشکیل می دهند، مورد استفاده قرار گرفت. در واقعیت امر، اصطلاح "محور شرارت" در اگست سال ۲۰۱۰ استفاده شد. اما بایست تأکید بعمل آورد که آنچه در کشور ما اتفاق می افتد، یک مسأله داخلی نیست، بلکه می توان آنرا بمثابة محور درگیری میان مقاومت و دشمنانش در منطقه و جهان محسوب نمود.

وضعیت کنونی میهن عزیز ما افغانستان، با موجودیت محیط پیچیده سیاسی - اجتماعی و بحران دامنگیر و مداوم انسانی مشخص میگردد. کشور ما همچنان در معرض تهدید گروه های تروریستی و افراطی، بویژه "دولت اسلامی (داعش)" قرار دارد. با وجود ناکارآمدی "شورای مقاومت ملی"، "جبهه مقاومت ملی" نیز عملن موجود میباشد، اما نفوذ و ساحت عملکردهایشان محدود بوده و وضعیت اقتصادی کشور رو بوحامت میباشد، رسیدگی به بحران انسانی و ایجاد حاکمیت با ثبات باید در دستور روز قرار داده شود. درباره جزئیات بیشتر، بویژه در مورد وضعیت کنونی و با در نظر داشت واقعیت های سرسخت جامعه افغانی، بایست در موارد زیر بگونه واضح و روشنی با اقدامات مؤثری مبادرت ورزید:

- در مورد امنیت که بخودی خود، شامل تهدیدهایی چه از جانب "داعش" و چه از جانب سایر گروه ها می گردد؛
- چگونگی وضعیت سیاسی، بازگویی این واقعیت میباشد که در کنار آنکه "طالب" ها، تا کنون از جانب جامعه جهانی برسمیت شناخته نشده اند، اما در مجموع تحت نظارت قرار داشته و همچنان توانایی های مخالفان مسلح بگونه ای محدود می باشد. از موجودیت و در عین حال، گسترش بحران بشری در کشور عزیز ما نباید چشم پوشی بعمل آید.
- بیش از ۷۵ درصد از شهروندان کشور قادر به تأمین مواد اولیه زندگی شان نبوده، تعداد گرسنگان و نیازمندان به مراقبت های صحی در حال افزایش می باشد. در مورد وضعیت اقتصادی و چگونگی تداوم حیات شهروندان کشور بایست یاددهانی بعمل آید که دسترسی به مسکن، مراقبت های بهداشتی و دستیابی به کالاهای اساسی، و خیم

گزارش می‌گردد. اما از نقطه نظر مناسبات بین الدول، کشور عزیزما افغانستان، بمتابۀ کشورمنزوی پنداشته می‌شود. انتظارات آینده و تأمین ثبات، بگونه‌کلی بیشتر بستگی به توانایی‌های "طالب"ها بمنظور تأمین امنیت و پایه‌گذاری حاکمیت با ثبات دارد. اما این واقعیت نباید فراموش خاطرما گردد که توسعه اقتصادی کشور، قبل از همه به کمک‌ها و مساعدت‌های بین‌المللی و توانایی‌های "طالب"ها بمنظور جلب سرمایه بستگی دارد.

اما قابل‌یاددهانی پنداشته می‌شود که تعدادی از کشورهای آسیایی، بگونه دقیق‌چگونگی تحولات کشور عزیزما و آسیای مرکزی را زیر نظر داشتند، بویژه چین بمتابۀ غول آسیایی، بویژه در امتداد سال‌های پسین به یکنوع لوکومو تیف توسعه و انکشاف اقتصادی کل آسیای مرکزی و جنوبی تبدیل شده و بمنظور تحقق آرزومندی‌های منطقوی اش بویژه بکشورهای آسیای مرکزی ارزش بسزایی قائل می‌باشند، بهمین دلیل در اجرای پروژه‌های بزرگ خود "کمر بند اقتصادی جاده ابریشم" و "جاده ابریشم دریایی سده ۲۱"، عمدتاً بمنظور اتصال دریا و خشکه، از هیچ نوع سعی دریغ نمی‌ورزد.

جذابیت کشورهای آسیای مرکزی بمتابۀ بازارهایی برای عرضه محصولات چینی، علاقمندی جمهوری خلق چین بمنابع انرژی منطقه، آمادگی بمنظور سرمایه‌گذاری در استخراج و حمل و نقل هیدروکاربن‌ها از آسیای مرکزی، قابلیت‌های بالقوه سرزمین‌های کشورهای منطقه بعنوان "کریدور ترانزیتی" بمنظور تأمین کالا برای اروپا، توسعه کسب و کار و تأمین ارتباطات، اینها همه بمتابۀ عواملی پنداشته می‌شوند که جذابیت ویژه کشورهای آسیای مرکزی را برای چین توجیه می‌نماید.

بحران وضعیت بشردوستانه، معضل دیگریست که بمقیاس وسیعی با استفاده از کمک‌های بین‌المللی، می‌توان آنرا رفع نمود.

حل و فصل سیاسی، بگونه‌کلی به توانایی‌های "طالب"ها بمنظور تعامل با جامعه بین‌المللی و حل و فصل مسایل و قضایای داخلی ارتباط دارد. اما بخاطر ما باشد که در مورد عوامل مؤثر در باره آینده کشور، به نکات ذیل باید عطف توجه بعمل آید:

نقش و چگونگی مؤثریت بازیگران منطقوی و موضعگیری دول کشورهای همجوار و سایر بازیگران اصلی؛ موضع جامعه بین‌المللی در مورد برسمیت شناختن و یا عدم برسمیت شناختن حاکمیت کنونی، بمتابۀ عامل کلیدی. عوامل داخلی بمفهوم توانایی‌های "طالب"ها در امر اداره کشور، حل و فصل مشکلات اقتصادی و چگونگی مقابله با درگیری‌های داخلی پنداشته می‌شود.

بسیاری از ناظران چنین می‌پندارند که افغانستان در حال غرق شدن در بحران عمیق اجتماعی - اقتصادی می‌باشد، نابرابری‌ها، کاهش درآمد و محدودیت‌های وضع شده، بویژه تحدید حقوق و آزادی‌های بانوان کشور و... دست‌په دست هم داده و با وجود برخی نشانه‌های بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی، اما آینده کشور و سرنوشت شهروندان آن در حاله‌ای از ابهام قرار دارد.

در گزارش سازمان ملل در امتداد سال‌های ۱۴۰۲ - ۱۴۰۳ خورشیدی، آمده است که افغانستان برای نخستین بار از سال ۱۳۹۸ خورشیدی بدینسو، شاهد رشد ناخالص تولید داخلی ۲،۷ درصدی، بویژه طی سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ خورشیدی بود. اداره انکشافی سازمان ملل، قبل از همه بمأهیت شکننده بهبود وضعیت اقتصادی کشورما اشاره می‌کند، بگونه‌ای که کسر تجارت در کشور، بویژه در سه ماه نخست سال ۱۴۰۳ خورشیدی در مقایسه با ۵،۱ میلیارد دالر در امتداد زمان مشابه در سال ۱۴۰۲، مبلغ ۶،۷ میلیارد دالر افزایش حاصل نمود. وضعیت اینچنینی، بخودی خود نشانه‌دهنده رکود تولید محلی و کمبود شغل پنداشته می‌شد که در نتیجه، اقتصاد کشور بشدت به واردات وابسته گردید.

بر بنیاد گزارش سازمان ملل، در امتداد سال ۱۴۰۳ خورشیدی، بتعداد ۷۵ درصد از شهروندان کشور، با از دست دادن درآمد شان، قادر به تأمین پایدار ضروریات اولیه زندگی شان نبودند. دسترسی به مسکن، مستفید شدن از مراقبت‌های صحی و دستیابی به کالاهای اساسی و عمده بد و بدتر شده است. در حالی که مشکلات اقتصادی وسعت حاصل نموده، وضعیت آب و هوایی نیز به مشکلات و معضلات شهروندان کشور افزوده است. وضعیت بانوان کشور بمتابۀ سرپرست خانوار، خصوصیات جوامع روستایی و اورگان داخلی، نشانه‌دهنده کاهش فوق‌العاده درآمد و مصرف نیز قابل‌دقت پنداشته میشود. از هر ده خانوار کشور که با از دست دادن دارایی‌های تولیدی، معیشت، اشتغال و سایر فرصت‌ها و امکانات عایداتی مواجه می‌باشند، اظهار نمودند که ناگزیرند تا مخارج روزانه خویش را کاهش دهند که وضعیت اینچنینی، آنها را بیش از پیش آسیب پذیر می‌نماید.

درباره شکل گیری مسیرهای منفی بایست یاددهانی بعمل آید که اعمال فشار و اجرای محدودیت های مستمر در امر آموزش و اشتغال بانوان کشور، شکاف جنسیتی را افزایش بخشیده و بانوان بیشتری را بسمت فقر و طرد اجتماعی سوق داده است. مناطق روستایی که ۷۱ درصد از شهروندان کشور در آن بسر می برند، بگونه ای از دسترسی به خدمات اولیه مانند مراقبت های بهداشتی و معیشت لازم نیز محروم می باشند.

تجزیه و تحلیل برنامه انکشافی سازمان ملل و داده های جدید حاکی از ادامه مسیر نگران کننده برای شهروندان کشور ما می باشد که بویژه در دهه پسین با فقر شدید دست و پنجه نرم نموده اند. متذکر باید گردید که انتظارات صد ها هزار عودت کننده، بویژه در امتداد سال روان و با کاهش قابل ملاحظه مساعدت های بین المللی، جامعه افغانی با معضلات گسترده ای مواجه شده که با شکل گیری وضعیت یادشده، مشکلات و رنج و عذاب شهروندان کشور بیش از پیش تشدید خواهد گردید که در اینمورد، بانوان کشور بیش از دیگران، با وضعیت وخیم اجتماعی دست و پنجه نرم خواهند نمود.

درباره راه حل های پایدار بایست تذکر بعمل آید که استنفان رودریگز، بنماینده از برنامه انکشافی سازمان ملل در کشور ما یاددهانی بعمل آورد که:

برنامه یادشده بضرورت اقدام فوری و هدفمند تأکید بعمل می آورد، با اذعان بر اینکه کمک ها و معاونت های بشر دوستانه به تنهایی کافی و بسنده نبوده، بلکه راه حل های اقتصادی و اجتماعی بگونه پایدار و ثمر بخش مورد نیاز پنداشته می شود.

در حال حاضر و وضعیت کنونی، کشور عزیز ما افغانستان توسط سیستم حکومت تئوکراتیک و تمامیت خواه برهبری "طالب" اداره می گردد، میهن عزیز ما در شرف تجربه بحران انسانی گسترده ای همراه با نقض حقوق بشر، بی ثباتی اقتصادی، کمبود شدید مواد غذایی مواجه می باشد. وضعیت و چگونگی سیاست خارجی کشور ما، عمدتاً بر دلیل درگیری های مداوم، بویژه در امتداد "خط دیورند" با پاکستانی ها، نگرانی های عمیقی را در مورد بی ثباتی منطقه ببار آورده است.

مشخصه های سیاست کشور توسط "طالب"ها تنظیم و اداره میگردد، کشور عزیز ما به "امارت اسلامی" مسمأ گردیده است، در وضعیت اینچنینی، ستراتیژیست های امریکایی، وضعیت افغانستان را بویژه در سال روان، پیچیده و ناپا یدار ارزیابی می نمایند. با وجود خروج امریکایی از اراضی متعلق به میهن عزیز ما، سرزمین کشور همچنان با معضلاتی از قبیل بحران انسانی، مشکلات اقتصادی و تهدیدهای امنیتی مرتبط با تروریسم و درگیری های قومی نیز مواجه می باشد. نکات کلیدی که ستراتیژیست امریکایی بآنها جلب توجه مبذول می دارند، عبارتند از بحران بشری، وضعیت اقتصادی، امنیت، چگونگی تعامل با "طالب"ها و نفوذ و اثرگذاری قدرت های منطوقی.

شهروندان کشور عزیز ما افغانستان، با کمبود شدید مواد غذایی، تجهیزات طبی و سایر کالاهای ضروری مواجه می باشند. اقتصاد کشور، عمدتاً بر دلیل خروج نظامیان خارجی که کاهش کمک های بین المللی را نیز با خود به همراه آورد، بشدت آسیب دیده است. بازگشت عده بیشماری از پناهیویان، بویژه از کشورهای همجوار، وضعیت را بدوید تر نموده است.

از جانب دیگر، ایالات متحده نگران تهدیدهای تروریستی مانند "داعش" و سایر گروه های دهشت افکن می باشد که ممکن از این وضعیت بمنظور تشدید فعالیت های شان سوءاستفاده نمایند.

در مورد چگونگی تعامل با "طالب"ها باید متذکر گردید که موضعگیری و اشتنگتن در زمینه، همچنان محتاطانه پنداشته می شود. نگرانی ها درباره یادشده و بویژه در مورد احترام بحقوق بشر و جلوگیری از تحریکات تروریستی وجود دارد. ستراتیژیست ها از نزدیک، اقدامات کشورهای همجوار مانند چین، روسیه، پاکستان و ایران را که می توانند بر وضعیت کشور ما اثرگذار باشند، تحت نظر دارند.

ستراتیژیست های امریکایی، بگونه کلی، کشور عزیز ما را بمثابة سرزمینی می پندارند که در آن چالش ها و معضلات فوق العاده ای بویژه بمنظور دستیابی به ثبات و تأمین امنیت، از گذشته های دور باینسو عملن موجود می باشد. بر بنیاد اظهار نظرهای کارشناسان امریکایی، ایالات متحده بر اصل نظارت بر چگونگی اوضاع و همچنان پارانة کمک های بشر دوستانه ادامه خواهد داد، اما چنانچه یاددهانی بعمل آمد، در مورد چگونگی تعامل با "طالب"ها، بیش از هر زمان دیگر، محتاط می باشد.

یکشنبه اول ماه سرطان سال ۱۴۰۴ خورشیدی برابر با ۲۲ ماه جون سال ۲۰۲۵ ترسایی